

بررسی میزان امید به آینده دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی)

دکتر ایرج ساعی ارسی^۱

میرمصطفی سیدرنجبرسقزچی^۲

هادی بهاری^۳

چکیده :

میزان امید به آینده جوانان به عنوان نوعی نگرش نسبت به آینده مسیر حرکت جامعه را در آینده نشان می دهد و پرداختن به چنین موضوعی به عنوان مقوله ای فرهنگی - اجتماعی دارای اهمیت اساسی است. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر اجتماعی بر امید به آینده دانشجویان محقق اردبیلی هست. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه بوده است. از ۴۰۰ نفر دانشجو که از بین ۱۱۲۸۰ نفر از دانشجویان در حال تحصیل در سه مقطع فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس در دانشگاه (محقق اردبیلی) در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۵ از

۱ . استادیار جامعه شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)
Email: saiearasi@gmail.com

Email: msr.ranjbar@gmail.com

Email: Hadi.bahari.67@gmail.com

۲ کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تبریز، ایران

۳ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، موسسه البرز قزوین، ایران

طریق نمونه گیری طبقه بندی شده متناسب با حجم نمونه انتخاب شده و اطلاعات مربوط به پژوهش مورد نظر جمع آوری شد. متغیر وابسته این پژوهش (امید به آینده) و متغیرهای مستقل شامل (رضایت از زندگی، انومی اجتماعی، محرومیت نسبی، احساس بی قدرتی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) بوده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که از بین متغیرهای مستقل پژوهش تنها متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با امید به آینده رابطه معناداری نداشت اما بین سایر متغیرها رابطه معنادار بود و هیچ یک از متغیرهای زمینه ای نیز با میزان امید به آینده ارتباط معناداری نداشتند. و با توجه به نتایجی که در رگرسیون چند متغیره این پژوهش بدست آمد این است که در بین متغیرهای مستقل، متغیر احساس بی قدرتی با ضریب $(-0/351)$ و بعد از آن متغیر رضایت از زندگی با ضریب $(0/217)$ بیشترین ارتباط را بر متغیر امید به آینده داشته اند.

کلید واژه: امید به آینده، رضایت از زندگی، انومی اجتماعی، محرومیت نسبی، احساس بی قدرتی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

مقدمه

امروزه امیدواری و ناامیدی نسبت به آینده از مهم ترین مقولات فرهنگی - اجتماعی است که می تواند در حرکت و پویایی یک جامعه به سمت پیشرفت و تعالی موثر باشد. زیرا اگر جامعه ای به آینده امید نداشته باشد، نمی تواند در دست یابی به اهداف خود موفق باشد و در نهایت زمینه های دست یابی به اهداف را هم نمی تواند برای خود فراهم آورد. بنابراین امید، انسان ها را در دست یابی به اهداف یاری می کند. از آنجا که دانشجویان به عنوان اقشار تحصیلکرده و نیروی انسانی متخصص و سرمایه های انسانی یک جامعه محسوب می شوند نگرش آنها نسبت به آینده از آن رو با اهمیت است که مسیر حرکت یک جامعه را در آینده تعیین می کنند و امیدواری و یا ناامیدی آنها نسبت به آینده ی جامعه می تواند به عنوان چهارچوب نگرش این قشر در ارتباط با آینده ی جامعه باشد. از این رو هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی میزان امید به آینده دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در بین دانشجویان شهر اردبیل می باشد. با توجه به موضوع این پژوهش متغیر هایی که برای تبیین موضوع در این پژوهش به کار گرفته شده اند ابتدا به تعریف مفاهیم و اصطلاحات مرتبط

با این متغیرهای به کار رفته در پژوهش پرداخته می شود. بر اساس دیدگاه رونالد اینگلهارت^۱، احساس رضایت بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی به وجود می آید (اینگلهارت، ۱۳۷۳). رضایت از زندگی مبین رضایت و خشنودی دانشجویان از شرایط و امکانات موجود و به طور کلی از زندگی در ابعاد مختلف آن اعم از اقتصادی خانوادگی و تحصیلی است. مفهوم آنومی اجتماعی^۲، شکاف موجود میان تفسیر عمل اجتماعی در سطح فردی را با تفسیر آن در سطح ساختار اجتماعی با پیوند میان آنها، پر می کند و از دیدگاه رابرت کی مرتون^۳ بی هنجاری، فقدان وسیله قانونی برای دسترسی به اهداف مشروع است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱). تد رابرت گر^۴ نسیبی^۵ را درک کنشگر از تفاوت میان توانایی های ارزشی و انتظارات ارزشی می داند. انتظارات ارزشی عبارتند از منافع و شرایطی از زندگی، که مردم خود را در به دست آوردن آن ذی حق می دانند. اما توانایی های ارزشی بستگی به محیط اجتماعی و فیزیکی داشته و عبارت است از ظرفی که بحث مردم را برای کسب یا حفظ ارزش ها معین می کند (لهسائی زاده، ۱۳۹۱). احساس بی قدرتی حالتی از بیگانگی سیاسی است که در آن فرد احساس می کند توانایی تأثیرگذاری بر جریان امور را ندارد. احساسی است که در اثر خیلی از عوامل از جمله مشاهده عملکردهای نظام سیاسی، مشاهده فرایند سیاسی و نتایج آن، ویژگی های شخصی با مجموعه ای متغیرهای دخیل در فضای سیاسی حادث می شود (رفیعی بهابادی و حاجیانی، ۱۳۹۲). احساس بی قدرتی^۶ احساس عدم تسلط فرد بر مسیر زندگی خویش و ناتوانی در حل معضلات جامعه و ساختار دانشگاه می باشد. پایگاه اجتماعی - اقتصادی محدوده ای از هنجارهای خاصی در یک گروه اجتماعی است که نه برای همه بلکه فقط برای عده ای از اعضای گروه تعیین کننده و مقیاس گذرانده رفتار می باشد (رفیع پور، ۱۳۷۸). برای شناخت پایگاه اجتماعی در این پژوهش از شاخص های بنیادی از جمله درآمد، شغل، سطح تحصیلات استفاده گردیده است که بر این اساس به سه طبقه پایین، متوسط و بالا تقسیم می شوند. امید به آینده^۷ عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است و یا به عبارت دیگر، ارزیابی ارزیابی مثبت از آن چه فرد متمایل است و می خواهد که به وقوع بپیوندد (هزار جریبی و آستین افشان، ۱۳۸۸). در این پژوهش امید به آینده به خوشبینی و عدم شک و تردید افراد نسبت به آینده

1 Ronald Inghart

2 Social Anomie

3 Robert K. Merton

4 Ted Robert Gurr

5 Relative Deprivation

6 Power lessens

7 Hope for the future

و جامعه و وضعیت تحصیلی در دانشگاه اطلاق گردیده است. از نظر اسنایدر ۱ فردی که امید را به عنوان یک مشخصه ی ساختار شناختی، شامل باورهای مثبت یک فرد درباره ی توانایی اش برای انجام دادن اهداف شخصی، به تصویر درآورد (Snyder, 2002). ریمان ۲ (۱۹۹۷) نیز تعیین هدف، نیروی راهیابی و نیروی اراده را سه جزء اصلی امید تعریف می کند (علیزاده اقدم، ۱۳۹۱ به نقل از علی پور و اعراب شیبانی، ۱۳۹۰). تئوری امید نیز اولین بار توسط استوتلند ۳ ارائه گردید. او از ترکیب ترکیب انتظار رسیدن به هدف و عوامل موثر بر آن چند قضیه استخراج نمود. وی در یکی از این قضایا می نویسد: «هر چه احتمال دسترسی به هدف بیشتر باشد تأثیر مثبت آن بر فرد بیشتر خواهد بود. او در ادامه منظورش تأثیرات مثبت را این گونه بیان می کند: تأثیرات مثبتی که در این قضیه به آن اشاره شده شامل چیزهایی چون لذت، رضایتمندی، خوشی و شور و نشاط می شود». بنابراین طبق این قضیه ارزیابی از احتمال دستیابی به هدف باعث احساس رضایت ذهنی خواهد شد. استوتلند معکوس این قضیه را در قضیه دیگری به این شکل بیان می کند: هر چه یک فرد برای رسیدن به هدف احتمال کمتری بدهد ولی اهمیت آن هدف برای وی مهم تر باشد اضطراب و نگرانی آن فرد بیشتر خواهد بود استوتلند بر این باور است که امید تنها از طریق تجارب فردی و از طریق تکرار نمونه های مشابه به دست نمی آید بلکه تعامل و ارتباط با دیگران در بروز روحیه یأس و یا امید در زمینه های متعدد اجتماعی عامل تعیین کننده ای می باشد. بنابراین طبق این تئوری، امید یا ناامیدی می تواند رضایتمندی فرد از شرایط فردی و اجتماعی را مشروط نماید. بر اساس این تئوری رضایتمندی تابعی از احتمال دستیابی به هدف است و بالعکس نارضایتی تابعی است از احتمال عدم دستیابی به اهداف یا اهدافی که از نظر فرد با اهمیت تلقی می گردند (رفیعی بهابادی و حاجیانی، ۱۳۹۲ به نقل از شاو و کاستانزو، ۱۹۸۵). فردینبرگ ۴ از مفهوم نارضایتی ۵ سخن به میان می آورد و آن را منبع اصلی فعالیت فرد در نظر می گیرد. به نظر فردینبرگ، احساس نارضایتی در فرد سبب می شود که وی به نوعی انفعال و بی تفاوتی از موضوعات پیرامونی میل کند فردی که به احساس نارضایتی دچار است خود را ناتوان تر از آن می بیند که بتواند تغییری در وضعیت خود و شرایط محیطی به وجود آورد. از این رو احساس نارضایتی به احساس بی باوری ۶ و ناامیدی ۷ منجر می -

1 Snyder

2 Riemann

3 Stotland

4 Ferdinberg

5 Resentment

6 Helplessness

7 Hopelessness

گرد (Ferdinberg, 1963). دور کهایم^۱ در نظریه آنومی یا بی هنجاری اجتماعی بیشترین تاکید خود را بر فروپاشی موازین و هنجارهای اجتماعی قرار داده بود. به نظر او زمانی که تحول نیازها و خواسته ها با وسایل و امکانات تطبیق نمی کنند و امکانات موجود پاسخگوی آنها نیست، باید در صدد محدود نمودن هیجانان برآمد در در غیر اینصورت شرایط موجود صورتی آنومیک به خود خواهد گرفت. در زمان های بحران، وقتی که قوانین با نیروهای جمعی شکسته و فروپاشیده می شوند، فرد در بی اتکایی، بی هنجاری و عدم تطابق با اوضاع موجود، دچار یأس و سرخوردگی می شود. دور کیم کنشگر را تحت الزام واقعیت‌های اجتماعی، به ویژه وجدان جمعی می دانست. (ریتزر، ۱۳۸۷). از نظر مرتون وقتی بین اهداف فرهنگی (مانند موفقیت و ثروت) و وسائل تشکیلاتی جهت دستیابی به این اهداف (مانند: تحصیلات، دوستان منتفد...) یک عدم تناسب وجود داشته باشد، در این صورت امید برای دست یابی به اهداف از راه های مشروع وجود نداشته و در این وضعیت است که شرایط جامعه آنومیک می شود (رفیع پور، ۱۳۸۸). بنا به نظریه مقایسه اجتماعی فستینگر^۲ هرگاه افراد به معیارها و استانداردهای عینی دست پیدا نکنند، عقاید و استعداد‌های خود را با عقاید و استعداد‌های دیگران مقایسه می کنند؛ در فرایند این مقایسه، افراد تمایل خواهند داشت که خود را با اشخاصی که عقاید و استعداد‌های آنان شبیه خود آن‌هاست، مقایسه کنند و نه با اشخاصی که عقاید و استعداد‌هایشان با آن‌ها تفاوت فاحش دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۷). پس از به وجود آمدن فرایند مقایسه اجتماعی، جریان نیاز آفرینی و احساس نیاز از قشر بالا به قشر پایین سرایت می کند و چون انسان‌ها موجودات منفعلی نیستند، لذا در پی ارضای نیازهای خود برمی آیند، اما از آنجا که جامعه برای ارضای نیازهای متعدد و متنوع محدود بوده و توزیع امکانات یکسان نیست، در نتیجه زمینه برای احساس محرومیت فراهم می شود. گیدنز^۳ محورمیت نسبی را "اختلاف بین سطحی از زندگی زندگی که فرد در آن به سر می برد، و آنچه که فکر می کند باید در عمل از آن برخوردار باشد" تعریف می کند. به عبارت دیگر، محرومیت نسبی اختلاف بین سطح زندگی موجود فرد با سطح زندگی مطلوب اوست که معمولاً با سطح زندگی فردی دیگر مقایسه می شود. محرومیت نسبی، به تصور فرد از عدم برخورداری از شرایط و امکانات مالی، شغلی و تحصیلی در مقایسه با سایر افرادی که در وضعیت مشابه با وی قرار دارند و میزان ناخشنودی از اختلاف موجود بین سطح زندگی که از آن برخوردار است با سطحی از زندگی که می اندیشد باید در آن قرار داشته باشد اطلاق می شود (صدقتی فرد،

1 Durkheim

2 Festinger

3 Giddens

۱۳۹۲). از نگاه محرومیت نسبی شکل گیری آسیب های اجتماعی همچون ناامیدی نسبت به آینده، ناشی از احساس محرومیت نسبی افراد مخصوصاً در میان طبقات پایین جامعه است وقتی طبقات پایین وضعیت اجتماعی و معیشتی خود را با اقشار و طبقات بالا مقایسه می کنند در این شرایط با ارزیابی شکاف بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب خود ممکن است احساس ناکامی و ناامیدی به دست یابی به اهداف در آینده، باعث بروز آسیب ها و کجروی های اجتماعی در سطح جامعه شود. براساس دیدگاه سیمن^۱ احساس بی قدرتی، عبارت است از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که براساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست. سیمن معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از صور دیگر در ادبیات معاصر کاربرد دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰). آنچه که احساس بی قدرتی را به مفهوم امید به آینده پیوند می دهد این است که زمانی که فرد احساس بی قدرتی می کند در این شرایط از نظر نگرش به دست یابی به اهداف در آینده، فرد احساس ناامیدی می کند بنابراین مفهوم احساس بی قدرتی با ناامیدی نسبت به آینده بسیار نزدیک است. اما در مورد نقش پایگاه اقتصادی - اجتماعی در امید به آینده ی دانش آموزان، ثابت شده است که هر قدر پایگاه اجتماعی فرد بالاتر باشد، امید به زندگی او بیشتر است. طبق تحقیقات کلمن^۲، «والدینی که در آرزوی دست یابی به استاندارد بالای زندگی هستند و فرزندانشان را برای تحقق آرمان ها و ایده آل های مطلوب تربیت می کنند، ممکن است فرزندان بسیار موفق داشته باشند» (قلی زاده، ۱۳۷۷). یافته های فردریکسون^۳ (۲۰۰۹) فولر و کرسستیکز^۴ (۲۰۰۸) نشان داده است، افرادی که هیجان های مثبت و خوشبینی بیشتری را داشته باشند، عمر طولانی تری خواهند داشت. همچنین، افراد امیدوار و شادمان روابط اجتماعی قویتری با دوستان، همسر، همسایگان و بستگان خود دارند (گیتی قریشی، ۱۳۸۸). علیزاده اقدم^۱ (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل موثر بر آن نشان داد که با این که امید به آینده بر عملکرد تحصیلی دانشجویان موثر است، ولی از بین ویژگی های عمومی و فردی آنان فقط سن به صورت ضعیفی با امید به آینده ارتباط داشته است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می دهد که امید دانشجویان به آینده از میزان دینداری، انسجام و اعتماد اجتماعی (از ابعاد سرمایه اجتماعی) و سرمایه فرهنگی متأثر می گردد. این متغیرها بر روی هم، ۲۸ درصد از تغییرات متغیر امید به آینده

1 Seeman

2 Coleman

3 Fredrickson

4 Fowler & christakis

را تبیین می کنند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که امید به آینده در بین دانشجویان بیشتر از اینکه از ویژگی های فردی، تأثیر بپذیرد، از عوامل ساختاری متأثر است (علیزاده اقدم، ۱۳۹۱). عبدالهی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه شناختی امید به آینده که در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره ی متوسطه شهر نجف آباد انجام گرفت و نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیرهای، میزان دین داری و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با ۷ و ۱۱ درصد، بیشترین سهم را در تبیین میزان امید به آینده دارند. که می توان این را مهم ترین نتیجه به دست آمده از پژوهش دانست. از مجموعه متغیرهای وارد شده در معادله ی رگرسیون، چهار متغیر تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته داشته اند. از بین متغیر های باقیمانده در مدل رگرسیون، میزان دین داری و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده به ترتیب با بتای ۳۵٪ و ۲۸٪ شدیدترین تأثیر معنی داری را بر میزان امید به آینده داشتند (عبدالهی، ۱۳۸۹). نتایج تحقیق هزار جریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) نشان داده است که متغیر امید به آینده اجتماعی به واسطه متغیر اعتماد اجتماعی تأثیر فزاینده ای بر میزان رضایت افراد دارد. هم چنین نتایج این پژوهش نشان داد که هرچه میزان امید به آینده اجتماعی بیشتر باشد، احساس اعتماد و در نهایت، رضایت از زندگی بیشتر شده، در مقابل افرادی که امید زیادی به آینده و جامعه ندارند، رضایت کمتری از زندگی دارند (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸). با توجه به پیشینه ی مفهومی و نظری، فرضیاتی که این پژوهش در پی پاسخگویی به آنها می باشد عبارتند از:

بین امید به آینده دانشجویان و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد.
 بین امید به آینده دانشجویان و آنومی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
 بین امید به آینده دانشجویان و محرومیت نسبی رابطه معناداری وجود دارد.
 بین امید به آینده دانشجویان و احساس بی قدرتی رابطه معناداری وجود دارد.

بین امید به آینده دانشجویان و پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
 تفاوت میانگین امید به آینده دانشجویان به تفکیک جنسیت معنادار است.
 تفاوت میانگین امید به آینده دانشجویان و وضعیت تأهل معنادار است.
 تفاوت میانگین امید به آینده دانشجویان و قومیت معنادار است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف بنیادی و از حیث روش توصیفی از نوع همبستگی و از حیث اجرا پیمایشی و از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر بعد زمانی نیز یک بررسی مقطعی است جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی می باشد در سالتحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ که ۱۱۲۸۰ نفر می باشد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران تعداد (۳۳۵) نفر تعیین شد و به جهت افزایش اعتبار نمونه، تعداد (۶۵) نفر نیز به نمونه ی انتخابی افزایش یافت و در مجموع با ۴۰۰ نفر مصاحبه شد. و به شیوه ی نمونه گیری تصادفی طبقه بندی پس از تعیین حجم نمونه و به تفکیک جمعیت هر دانشکده، نمونه ها تعیین شدند.

جدول ۱: نمونه پژوهش

ردیف	نام دانشکده	دختر	پسر	حجم جامعه آماری	حجم نمونه
۱	ادبیات و علوم انسانی	۳۴	۶۴	۲۳۹۴	۹۸
۲	علوم تربیتی و روان شناسی	۱۱	۱۰	۸۶۶	۲۱
۳	علوم پایه	۲۹	۴۸	۲۲۳۸	۷۷
۴	علوم ریاضی	۱۸	۱۹	۹۸۴	۳۷
۵	کشاورزی و منابع طبیعی	۳۶	۳۲	۱۷۰۱	۶۸
۶	فنی و مهندسی	۳۲	۴۲	۲۱۱۷	۷۴
۷	فناوری های نوین	۱۵	۱۰	۹۸۰	۲۵
	کل	۱۷۵	۲۲۵	۱۱۲۸۰	۴۰۰

اعتباراً ۱ این پژوهش از اعتبار صوری ۲ و با استفاده از دیدگاه های متخصصان و تحقیقات پیشین انجام گرفت (حبیب پور و صفری شالی، ۱۳۹۱). پایایی ۳ این پژوهش نیز از ضریب آلفای کرونباخ جهت اندازه گیری و کنترل میزان پایایی پرسش نامه ی به کارگرفته شده در این پژوهش استفاده شده است (امین مظفری و پاداش اصل، ۱۳۸۹).

$$\alpha = \frac{K}{K-1} \left(1 - \frac{\sum f_i^2 = 1 S_i^2}{S_i^2} \right)$$

جدول ۲: نتایج تحلیل پایایی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	تعداد گویه ها	ضریب پایایی
امید به آینده	۹	۰/۷۲۸
رضایت از زندگی	۱۵	۰/۸۴۳
وضعیت آنومی اجتماعی	۸	۰/۸۰۱
احساس محرومیت نسبی	۱۰	۰/۸۰۶
احساس بی قدرتی	۱۲	۰/۸۱۸

پس از تدوین پرسش نامه ، پرسش نامه ها به مدت ۳۴ روز در دی و بهمن ماه ۱۳۹۴ به صورت تصادفی طبقه بندی شده متناسب با حجم نمونه در میان دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی توزیع گردید. قبل از تکمیل پرسشنامه توسط دانشجویان، توضیح مختصری درباره اهداف پژوهش، تضمین حفظ اسرار به دانشجویان داده شد. در مجموع ۴۰۰ پرسش نامه در بین دانشجویان توزیع شد و بعد از جمع آوری، همین تعداد مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. داده های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای سنجش آمار توصیفی از شاخص ها و گرایش های مرکزی مربوطه (نما، میانه، میانگین درصدها و ...) و در قسمت یافته های استنباطی از ضرایبی

1 Validity

2 Face validity

3 Reliability

چون آزمون تحلیل واریانس f، آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن، پیرسون و برای آزمون مدل تحلیلی این پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره، استفاده می شود.

یافته های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده از یافته های توصیفی از نظر جنسیت تعداد دختران (۱۷۵) و پسران (۲۲۵) نفر بوده است. بیشترین حجم جمعیتی یا فراوانی پاسخ دهندگان محدوده سنی ۱۹ تا ۲۴ سال بوده که حدود ۳۸/۵ درصد از کل نمونه را در بر گرفته است. از نظر وضعیت تأهل ۷۵/۵ درصد از پاسخگویان و به عبارتی ۳۰۲ نفر ازدواج نکرده بودند و ۲۴/۵ درصد از پاسخگویان و به عبارتی ۹۸ نفر متأهل بودند. از ۴۰۰ نفر نمونه آماری این پژوهش تعداد ۲۸ نفر معادل ۷ درصد در مقطع تحصیلی فوق دیپلم، تعداد ۲۹۷ نفر معادل ۷۴/۲ درصد در مقطع تحصیلی لیسانس و ۷۵ نفر معادل ۱۸/۸ درصد در مقطع تحصیلی فوق لیسانس تحصیل می کنند. از این تعداد ۹۸ نفر در رشته علوم انسانی، ۲۱ نفر در رشته علوم تربیتی و روان شناسی، ۷۷ نفر در رشته علوم پایه، ۳۷ نفر در رشته ی علوم ریاضی، ۶۸ نفر در رشته ی کشاورزی و منابع طبیعی، ۷۴ نفر در رشته های فنی مهندسی و ۲۵ نفر نیز در رشته فناوری های نوین تحصیل می کنند. ۵۲ نفر دانشجویان معادل ۱۳ درصد شاغل و ۳۴۸ نفر معادل ۸۷ درصد پاسخگویان بیکار می باشند. در مجموع از ۴۰۰ نفر نمونه آماری این پژوهش ۷۲ نفر معادل ۱۸ درصد پاسخگویان در روستا و ۳۲۸ نفر از پاسخگویان معادل ۸۲ درصد در شهر زندگی می کنند. از نظر قومیت نیز بیشترین کمیت پاسخ دهندگان مربوط به قومیت آذری و پس از آن اقوام فارس، کرد و عرب قرار دارند.

توصیف متغیر های پژوهش نشان می دهد در متغیر امید به آینده از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگزیده ۷ گویه می باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه ها به عنوان نمره متغیر امید به آینده برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر امید به آینده نشان دهنده آن است که ۸۲ نفر از پاسخگویان معادل ۲۰/۵ درصد از کل پاسخگویان میزان امید به آینده در حد کم از خود نشان داده اند. همچنین تعداد ۲۵۰ نفر از پاسخگویان معادل ۶۲/۵ درصد از کل پاسخگویان میزان امید به آینده در حد متوسط را از خود نشان داده اند و در نهایت تعداد ۶۸ نفر از پاسخگویان معادل ۱۷ درصد از کل پاسخگویان میزان امید به آینده در حد زیاد گزارش داده اند. شاخص های توصیفی متغیر امید به آینده نمایانگر آن است که نما عدد ۳/۱۲ می باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه

هم $3/0000$ می باشد که عددی نزدیک به میانگین می باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $2/9869$ که در حد متوسط می باشد. بیشترین میزان امید به آینده عدد $5/00$ می باشد و کمترین میزان امید به آینده را عدد $1/12$ به خود اختصاص داده است که باتوجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $3/88$ می باشد. چولگی نیز عدد $0/007-$ می باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول و حوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $0/113-$ را به خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده ها نیز مقدار $0/625$ را نشان می دهد.

متغیر رضایت از زندگی از طریق ۴ شاخص سنجیده شده است که در برگیرنده ۱۵ گویه می باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه ها با اعمال برابری وزنی برای ۴ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه ها به عنوان نمره متغیر رضایت از زندگی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر رضایت از زندگی نشان دهنده آن است که ۲۴ نفر از پاسخگویان معادل ۶ درصد از کل پاسخگویان میزان رضایت در حد کم از خود نشان داده اند. همچنین تعداد ۲۶۴ نفر از پاسخگویان معادل ۶۶ درصد از کل پاسخگویان میزان رضایت در حد متوسط را از خود نشان داده اند و در نهایت تعداد ۱۱۲ نفر از پاسخگویان معادل ۲۸ درصد از کل پاسخگویان میزان رضایت در حد زیاد را از خود نشان داده اند. شاخص های توصیفی متغیر رضایت از زندگی نمایانگر آن است که نما عدد $3/00$ می باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم $2/9333$ می باشد که عددی نزدیک به میانگین می باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $2/8863$ که در حد متوسط به بالایی می باشد. بیشترین میزان احساس رضایت عدد $4/87$ می باشد و کمترین میزان احساس رضایت را عدد $1/00$ به خود اختصاص داده است که باتوجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $3/78$ می باشد. چولگی نیز عدد $0/103-$ می باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول و حوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $0/235-$ را به خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده ها نیز مقدار $0/539$ را نشان می دهد.

متغیر آنومی اجتماعی که از طریق ۴ شاخص سنجیده شده است و در برگرنده ۸ گویه می‌باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه‌ها با اعمال برابری وزنی برای ۴ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر آنومی اجتماعی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر آنومی اجتماعی نشان دهنده آن است که ۲۱۰ نفر از پاسخگویان معادل ۵۲/۵ درصد از کل پاسخگویان آنومی اجتماعی در حد کم از خود نشان داده‌اند. در ضمن تعداد ۱۴۹ نفر از پاسخگویان معادل ۳۷/۳ درصد از کل پاسخگویان احساس آنومی در حد متوسط را از خود نشان داده‌اند و در نهایت تعداد ۴۱ نفر از پاسخگویان معادل ۱۰/۲ درصد از کل پاسخگویان احساس آنومی در حد زیاد را از خود نشان داده‌اند. شاخص‌های توصیفی متغیر احساس آنومی نمایانگر آن است که نما عدد ۱/۷۵ می‌باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم ۱/۸۹ می‌باشد که عددی نزدیک به میانگین می‌باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد ۱/۹۹ که در حد متوسط به پایین می‌باشد. بیشترین میزان احساس آنومی عدد ۳/۷۵ می‌باشد و کمترین میزان احساس آنومی را عدد ۱ به خود اختصاص داده است که باتوجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد ۲/۷۵ می‌باشد. چولگی نیز عدد ۰/۵۱۷ می‌باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه‌ای مثبت به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول و حوش مقادیر پایین متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد ۰/۴۹۱- را به خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می‌دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار ۰/۳۹۶ را نشان می‌دهد.

متغیر محرومیت نسبی از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگرنده ۱۰ گویه می‌باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه‌ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر محرومیت نسبی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر محرومیت نسبی نشان دهنده آن است که ۱۲۶ نفر از پاسخگویان معادل ۳۱/۵ درصد از کل پاسخگویان محرومیت نسبی در حد کم از خود نشان داده‌اند. همچنین تعداد ۱۹۶ نفر از پاسخگویان معادل ۴۹ درصد از کل پاسخگویان محرومیت نسبی در حد متوسط را از خود نشان داده‌اند و در نهایت تعداد ۷۸ نفر از پاسخگویان معادل ۱۹/۵ درصد از کل پاسخگویان احساس محرومیت نسبی در حد زیاد را از خود نشان داده‌اند. شاخص‌های توصیفی متغیر

محرومیت نسبی نمایانگر آن است که نما عدد $۳/۲۰$ می باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم $۲/۹۰۰۰$ می باشد که عددی نزدیک به میانگین می باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $۲/۸۵۷۵$ که در حد متوسط به بالا می باشد. بیشترین میزان احساس محرومیت نسبی عدد $۴/۸۰$ می باشد و کمترین میزان احساس محرومیت نسبی راعد $۱/۰۰$ به خود اختصاص داده است که باتوجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $۳/۸۰$ می باشد. چولگی نیز عدد $۰/۰۷۶$ - می باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول و حوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $۰/۶۸۰$ - را به خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده ها نیز مقدار $۰/۷۸۶$ را نشان می دهد.

متغیر احساس بی قدرتی از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگیرنده ۱۲ گویه می باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه ها به عنوان نمره متغیر احساس بی قدرتی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر احساس بی قدرتی نشان دهنده آن است که ۸۸ نفر از پاسخگویان معادل ۲۲ درصد از کل پاسخگویان احساس بی قدرتی در حد کم از خود نشان داده اند. همچنین تعداد ۲۶۸ نفر از پاسخگویان معادل ۶۷ درصد از کل پاسخگویان میزان احساس بی قدرتی در حد متوسط را از خود نشان داده اند و در نهایت تعداد ۴۴ نفر از پاسخگویان معادل ۱۱ درصد از کل پاسخگویان میزان احساس بی قدرتی در حد زیاد را از خود گزارش داده اند. شاخص های توصیفی متغیر احساس بی قدرتی نمایانگر آن است که نما عدد $۲/۵۰$ می باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم $۲/۴۱۶۷$ می باشد که عددی نزدیک به میانگین می باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $۲/۳۲۵۴$ که در حد متوسط می باشد. بیشترین میزان احساس بی قدرتی عدد $۴/۵۰$ می باشد و کمترین میزان احساس بی قدرتی را عدد $۰/۳۳$ به خود اختصاص داده است که باتوجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $۴/۱۷$ می باشد. چولگی نیز عدد $۰/۰۴۵$ - می باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول و حوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $۰/۳۹۴$ - را به خود اختصاص داده است که با توجه به

منفی بودن آن نشان می‌دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار $0/774$ را نشان می‌دهد.

متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگزیده ۵ گویه می‌باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه‌ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی نشان دهنده آن است که ۱۷۸ نفر از پاسخگویان معادل $43/5$ درصد از کل پاسخگویان در طبقه پایین قرار دارند. همچنین تعداد ۱۵۰ نفر از پاسخگویان معادل $37/5$ درصد از کل پاسخگویان از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی در طبقه متوسط جای گرفته اند و در نهایت تعداد ۷۶ نفر از پاسخگویان معادل 19 درصد از کل پاسخگویان در طبقه بالا قرار دارند. شاخص‌های توصیفی متغیر طبقه اجتماعی دانشجویان مورد پژوهش، نمایانگر آن است که نما عدد $1/00$ می‌باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم $1/8000$ می‌باشد که عددی نزدیک به میانگین می‌باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $1/8220$ است که در حد متوسط به پایین می‌باشد. بالاترین طبقه عدد $3/00$ می‌باشد و پایین ترین طبقه را عدد $1/00$ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $2/00$ می‌باشد. چولگی نیز عدد $0/370$ می‌باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه‌ای مثبت به صورت چوله درآمدی است یعنی نمرات افراد حول و حوش مقادیر پایین متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $0/534$ - را به خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می‌دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار $0/335$ را نشان می‌دهد.

با توجه به یافته های استنباطی پژوهش در فرضیه اول که عبارت است از ، بین رضایت اجتماعی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیر امید به آینده و رضایت اجتماعی در سطح فاصله‌ای قرار دارند. با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با $0/000$ می‌باشد و از $0/05$ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین رضایت اجتماعی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با $0/294$ - است به صورت معکوس و

منفی می‌باشد. بدین معنی که با کمتر بودن رضایت اجتماعی دانشجویان میزان امید به آینده آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه دوم که عبارت است از، بین آنومی اجتماعی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیر امید به آینده و آنومی اجتماعی در سطح فاصله‌ای قرار دارند با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با $0/000$ می‌باشد و از $0/05$ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین آنومی اجتماعی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با $0/355$ است به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد بدین معنی که با بیشتر بودن میزان تحلیل هزینه پاداش دانشجویان میزان امید به آینده آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه سوم که عبارت است از، بین محرومیت نسبی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیر امید به آینده و محرومیت نسبی در سطح فاصله‌ای قرار دارند با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با $0/000$ می‌باشد و از $0/05$ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین محرومیت نسبی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. براین اساس در این صورت داریم اگر $p > 0$ آنگاه ارتباط بین دو متغیر مستقیم است و اگر $p < 0$ باشد در این صورت ارتباط بین دو متغیر عکس است. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با $0/300$ است به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد بدین معنی که با بیشتر بودن احساس محرومیت نسبی دانشجویان میزان امید به آینده آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه چهارم که عبارت است از، بین احساس بی‌قدرتی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیر احساس بی‌قدرتی و امید به آینده دانشجویان در سطح فاصله‌ای قرار دارند. با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با $0/000$ می‌باشد و از $0/05$ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین احساس بی‌قدرتی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با $0/556$ است به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد. بدین معنی که با بیشتر بودن احساس بی‌قدرتی دانشجویان میزان امید به آینده آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه پنجم که عبارت است از، بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیر امید به آینده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در سطح فاصله‌ای قرار دارند. با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که sig بدست آمده برابر با $0/178$ می‌باشد و از $0/05$ بیشتر است نتیجه می‌گیریم که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد.

در فرضیه ششم تا هشتم که عبارت است از، بین متغیرهای زمینه‌ای و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. در بین متغیرهای زمینه‌ای میانگین امید به آینده دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل در بین دانشجویان تفاوت معناداری ندارد و میانگین امید به آینده دانشجویان به تفکیک قومیت نیز تفاوت معناداری نداشت.

در رگرسیون چند متغیره پژوهش که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها $0/545$ می‌باشد نشان دهنده آن است که بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش (امید به آینده) همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با $0/290$ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۲۹ درصد از کل تغییرات میزان امید به آینده دانشجویان محقق وابسته به ۴ متغیر مستقل می‌باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل ۲۹ درصد از واریانس متغیر امید به آینده را پیش بینی (برآورد) می‌کنند. با توجه به مقدار معنی داری آزمون $F (41/713)$ در سطح خطای کوچکتر از $0/05$ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۴ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (امید به آینده) مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات امید به آینده را تبیین کنند.

در رگرسیون چند متغیره اولاً، ارتباط دو متغیر رضایت از زندگی، احساس بی قدرتی با امید به آینده معنی دار است، اما متغیرهای محرومیت نسبی، انومی اجتماعی، به خاطر اینکه سطح خطای مقدار بتای آن‌ها بالاتر از $0/05$ می‌باشد، نشان دهنده این است که دو متغیر مذکور با متغیر امید به آینده ارتباط معنی داری نداشته‌اند. ثانیاً، متغیرهای احساس بی قدرتی با ضریب رگرسیونی $0/351$ - رضایت از زندگی با ضریب $0/217$ به ترتیب بالاترین ارتباط را با متغیر امید به آینده داشته‌اند. از آنجایی که متغیر احساس بی قدرتی منفی می‌باشد به هنگام مقایسه ضرایب استاندارد شده علامت منفی در نظر گرفته نمی‌شود زیرا این علامت شدت ارتباط را بیان نمی‌کند و فقط بیانگر جهت است. برای تفسیر می‌توان بدین شکل تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در

متغیر احساس بی‌قدرتی، میزان امید به آینده در فرد به میزان ۰/۳۵۱ انحراف استاندارد کاهش خواهد یافت.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به آمار توصیفی از نظر جنسیت ۲۲۵ نفر مرد و ۱۷۵ نفر زن بوده است. از لحاظ گروه سنی بیشترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۱۹ تا ۲۴ سال در بر گرفته است. ۷۵/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۴/۵ درصد پاسخگویان متاهل می‌باشند. در میان پاسخگویان مقطع تحصیلی لیسانس با ۷۴/۲ درصد بیشترین و فوق دیپلم با ۷/۰ درصد کمترین پاسخگو را دارند. از لحاظ رشته تحصیلی ۲۴/۵ درصد در رشته تحصیلی علوم انسانی، ۲۴/۵ درصد در رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۹/۲۵ درصد در رشته علوم پایه، ۹/۲۵ درصد در رشته ی علوم ریاضی، ۱۷ درصد در رشته ی کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۸/۵ درصد در رشته های فنی مهندسی و ۶/۲۵ درصد نیز در رشته فناوری های نوین در حال تحصیل بودند. از ۴۰۰ نفر نمونه آماری ۵۲ نفر شاغل و ۳۴۸ نفر بیکار بودند. محل سکونت ۱۸ درصد پاسخگویان در روستا و ۸۲ درصد در شهر بوده است. از لحاظ قومیت بیشترین درصد قومیت را آذری، با ۷۸/۵ درصد و کمترین آن را قوم عرب با ۰/۵ درصد تشکیل می‌دادند. همچنین ۹۱ درصد از پاسخگویان گرایش به مذهب شیعه و ۹ درصد سنی مذهب بودند. مالکیت سکونت ۹۲/۵ درصد پاسخگویان مالکیت شخصی و ۷/۵ درصد اجاره می‌باشد.

توصیف متغیرهای اصلی پژوهش نشان می‌دهد که در متغیر امید به آینده، ۲۰/۵ درصد از پاسخگویان امید به آینده در حد کم، ۶۲/۵ درصد از پاسخگویان امید به آینده در حد متوسط و ۱۷ درصد از پاسخگویان امید به آینده در حد زیاد از خود گزارش دادند. در متغیر رضایت اجتماعی ۶ درصد از پاسخگویان رضایت در حد کم، ۶۶ درصد میزان رضایت در حد متوسط و ۲۸ درصد میزان رضایت در حد زیاد از خود نشان دادند. برای متغیر آنومی اجتماعی ۵۲/۵ درصد از پاسخگویان کم بیشترین درصد فراوانی و ۱۰/۲ درصد زیاد کمترین درصد فراوانی را در مورد متغیر آنومی اجتماعی گزارش دادند. در متغیر محرومیت نسبی، ۳۱/۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۴۹ درصد متوسط و ۱۹/۵ درصد در زیاد احساس محرومیت نسبی از خود گزارش دادند. همچنین ۲۲ درصد از پاسخگویان احساس بی‌قدرتی در حد کم، ۶۷ درصد در حد متوسط و ۱۱ درصد در حد زیاد از خود گزارش دادند. و در نهایت از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ۴۳/۵ درصد در طبقه پایین، ۳۷/۵ درصد در طبقه متوسط و ۱۹ درصد در طبقه بالا قرار داشتند.

در مورد نتایج استنباطی در اولین فرضیه که رابطه معناداری بین رضایت اجتماعی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. در این زمینه نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸) همخوانی دارد. نتیجه بدست آمده در این فرضیه را می‌توان با نظریه‌های استولند، فردینبرگ و اینگلهارت همسو دانست.

در فرضیه دوم که رابطه معناداری بین آنومی اجتماعی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه مطابق با نتایج تحقیقات پیشین (نادری و همکاران، ۱۳۸۸) می‌باشد. نتیجه بدست آمده با این فرضیه را می‌توان با نظریه‌های امیل دورکهایم و رابرت کی مرتن همسو دانست.

در فرضیه سوم که رابطه معناداری بین محرومیت نسبی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه گیری با نتایج پژوهش‌های پیشین (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸) مطابق می‌باشد. با توجه به وجود رابطه بین این دو متغیر می‌توان این نتیجه را با نظریه محرومیت نسبی دانشمندانی مثل تد رابرت گر و گیدنز و فستینگر مطابقت داد.

فرضیه چهارم که رابطه معناداری بین احساس بی قدرتی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با نتایج پیشین (نادری و همکاران، ۱۳۹۰ و محسنی تبریزی، ۱۳۸۱) مطابقت دارد. نتیجه بدست آمده در این فرضیه را می‌توان با نظریه ی سیمن همسو دانست.

فرضیه پنجم که رابطه معناداری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با نتایج تحقیقات پیشین (عبداللهی، ۱۳۸۹) مطابق نمی‌باشد. نتیجه بدست آمده در این فرضیه با دیدگاه کلمن همسو نبود.

در نهایت در فرضیه ششم تا هشتم که رابطه معناداری بین متغیرهای زمینه ای (جنسیت، قومیت و وضعیت تأهل) و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار نگرفت. این نتیجه گیری مطابق با نتایج پیشین (علیزاده اقدام، ۱۳۹۱) مطابقت نداشت.

پژوهش مورد نظر، تلاش کرد به بررسی و شناسایی عوامل اجتماعی مرتبط با بی امید به آینده دانشجویان بپردازد. بر این اساس امید به آینده و به طور همزمان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این راستا پژوهش مورد نظر با محدودیت‌هایی همراه بود که عبارتند از: ۱- عدم به روز رسانی و تطبیق منابع داخلی با منابع خارج از کشور ۲- کمبود پژوهش‌ها و منابع مربوط به موضوع مورد پژوهش ۳- عدم ارائه آمار و اطلاعات دقیق از سوی سازمان‌ها و ارگانهای دولتی.

با توجه به آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر متغیر امید به آینده به عنوان متغیر وابسته پژوهش در رابطه با متغیرهای مستقل متشکل از شش متغیر (رضایت از زندگی، آنومی اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، احساس بی‌قدرتی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفت. در فرضیه اول که رابطه بین رضایت اجتماعی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. هرگونه نارضایتی در سطح جامعه و عموم مردم در مدت زمان کوتاهی می‌تواند باعث یأس و ناامیدی نسبت به آینده در جامعه می‌شود. چنانچه رضایت فردی و اجتماعی در جامعه در سطح نرمال و متعادلی باشد امید به آینده افزایش می‌یابد. از آنجایی که نمونه آماری تحقیق مورد نظر، جوانان را در بر گرفته است. اندیشمندان بسیاری نیز بررسی خود را عمدتاً معطوف به علل نارضایتی نسل جوان قرار داده‌اند.

در فرضیه دوم که رابطه بین آنومی اجتماعی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. در جامعه ای آنومیک امید به دست‌یابی به اهداف در آینده از طریق وسایل مورد قبول جامعه کمتر شده و راه برای افزایش آسیب‌های اجتماعی و کجروی‌ها باز می‌شود.

در فرضیه سوم که رابطه بین محرومیت نسبی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش محرومیت نسبی، میزان امید به آینده دانشجویان نیز افزایش می‌یابد نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان داد که دانشجویان در جامعه آماری این پژوهش، شرایط خود را در مقایسه با افراد مشابه خود و دیگران با نوعی محرومیت نسبی ارزیابی کرده‌اند که از این حیث بر میزان ناامیدی آنها نسبت به آینده در جامعه افزوده شده است.

در فرضیه چهارم که رابطه بین احساس بی‌قدرتی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. افراد مختلف از نظر احساس بی‌قدرتی در شرایط متفاوتی به سر می‌برند به این معنا که اقلیت‌ها و گروه‌های کم درآمد بیشتر در معرض احساس بی‌قدرتی هستند. افرادی که نمی‌توانند مسیر زندگی‌شان را بدون دخالت دیگران تعیین کنند، احساس بی‌قدرتی می‌کنند. به عبارتی توانایی برای پیشرفت در زندگی و ابزار دستیابی به هدف‌هایشان در اختیار ندارند. در نتیجه این امر بر میزان امید به آینده ی دانشجویان و رویکردهایشان، تاثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. به عبارتی فرد کنش سیاسی - اجتماعی خود را در تعیین مسیر آینده، بی‌تاثیر تلقی کرده و امید خود را نسبت به آینده از دست می‌دهند.

در فرضیه پنجم که رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و امید به آینده دانشجویان مورد تأیید قرار نگرفت. این وضعیت نشان می‌دهد که امید به آینده در بین طبقات مختلف جامعه تفاوت

معناداری نداشته و شرایط آنومیک در جامعه نه تنها موجب ناامیدی و سرخوردگی طبقات پایین جامعه شده بلکه طبقات بالای جامعه هم از این وضعیت مستثنی نبوده است.

در نهایت در فرضیه ششم تا هشتم که تفاوت میانگین امید به آینده دانشجویان به تفکیک جنسیت، وضعیت تأهل و قومیت مورد تأیید قرار گرفت.

در ضمن از مدل رگرسیون چند متغیره به روش همزمان برای تبیین ارتباط بین متغیرها و سهم هر متغیر در تبیین متغیر وابسته مورد استفاده قرار گرفته است که در این قسمت به نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در رگرسیون چند متغیره ارتباط دو متغیر رضایت از زندگی و احساس بی قدرتی با امید به آینده معنی دار است. اما متغیرهای محرومیت نسبی و آنومی اجتماعی، به خاطر اینکه سطح خطای مقدار t آنها بالاتر از $0/05$ می‌باشد با متغیر امید به آینده ارتباط معناداری نداشتند. با توجه به نتایجی که در رگرسیون چند گانه به دست آوردیم، حاکی از این است که از بین متغیرهای مستقل، متغیر احساس بی قدرتی ($-0/351$) بیشترین ارتباط را داشته و به عبارتی قویترین متغیر پیش بینی کننده امید به آینده دانشجویان بوده است و بعد از آن متغیر رضایت از زندگی ($0/217$) به ترتیب بیشترین ارتباط را با امید به آینده دانشجویان داشته است.

منابع

- ۱- امین مظفری، فاروق و پاداش اصل، خورشید. (۱۳۸۹)، اصول آمار مقدماتی در علوم رفتاری (با کاربرد SPSS)، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- ۲- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه ی پیشرفته ی صنعتی، ترجمه ی مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- ۳- حبیب پور، کرم؛ صفری، رضا. (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، تهران: لویه، متفکران.
- ۴- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۵- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴)، سرطان اجتماعی فساد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۶- رفیعی بهابادی، مهدی و حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۲). بررسی رضایت از زندگی و عوامل موثر بر آن (با استفاده از نتایج پیمایش ملی)، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره پنجم، تابستان.
- ۷- ریتزر، جرج. (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

- ۸- صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۲)، بی تفاوتی اجتماعی (معناکاوی، بنیان نظری، سبب شناسی)، اصفهان، انتشارات بهتا پژوهش.
- ۹- عبداللهی، مهرناز. (۱۳۸۹)، تبیین جامعه شناختی امید به آینده، فصلنامه تحلیلی رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ی ۱۴، شماره ی ۲، زمستان ۱۳۸۹.
- ۱۰- علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۱). بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل موثر بر آن. فصلنامه جامعه شناسی کاربردی سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره چهارم، ص ۱۸۹ تا ۲۰۶.
- ۱۱- قلی زاده، آذر. (۱۳۷۷). جامعه شناسی آموزش و پرورش. قم، انتشارات محتشم.
- ۱۲- گیتی، قریشی، اشرف السادات. (۱۳۸۸). «سطح امیدواری در دانشجویان سال اول و سال آخر رشته روانشناسی»، فصلنامه اندیشه رفتار، دوره سوم، شماره ۱۲، تابستان.
- ۱۳- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۹۱)، نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت های شهری مناطق حاشیه نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره سوم.
- ۱۴- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۰). آسیب شناسی جوانان : بررسی انزوای ارزشی و مشارکت فرهنگی در محیط های دانشجویی ایران، تهران: انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش.
- ۱۵- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱). آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی (بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های دولتی تهران). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۶.
- ۱۶- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۷)، نظریه های روان شناسی اجتماعی (جزوه درسی ویژه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۷- نادری، حمدالله، جاهد، محمد علی و خدابخشی هفشجانی، نسرين. (۱۳۹۰). سنجش چندبعدی احساس انومی در بین جوانان، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۵، بهار.
- ۱۸- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی رضا. (۱۳۸۸). «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه و احساس امنیت در آن: مورد مطالعه شهروندان تهرانی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، پاییز، صص ۷-۲۸.
- ۱۹- هزار جریبی، جعفر و آستین افشان پروانه. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی (تأکید بر استان تهران)»، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ی پیاپی ۳۳، سال اول، شماره ی سوم، بهار، صص ۱۴۶-۱۱۹.

20- Friedenberg, E. (1963). Coming of Age in America. New York : Vintage books.

21- Snyder, C. R. (2002). Hope theory: Rain bows in the mind. Psychological Inquiry. pp 249-275.